



911011

۸۷/۱۱۱.۴۴۷۱
۸۵/۱۱/۱۶



دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه تاریخ

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

تاریخ عمومی جهان

عنوان:

روند حضور و جایگاه دیوان سالاران ایرانی

در دربار گورکانیان هند

دانشگاه علوم اجتماعی
گروه تاریخ

استاد راهنما:

مقصود علی صادقی

۱۳۸۷ / ۴ / ۶ / ۱

استاد مشاور:

یحیی کلانتری

پژوهشگر:

ماهروخ محمدی

اسفند ماه ۸۶

۹ ۸ ۸ ۸ ۸

تقدیم بہ مادر عزیزم

بہ پاس زحمات بی دریغش

الا بذكر الله. تطمئن القلوب

ستایش و سپاس بیکران بایسته آن ایزد دانایی است که چراغ دانش را در اندیشه انسان فروزان می دارد، تا در پرتو آن هستی را از دورترین مرزهای کھکشان تا پیچاپیچ هزارتوی یافته ها بکاود و رازهای آن را بگشاید و بدین گونه خود را از بردگی جهل و خرافات برهاند و به آزادی و توانایی و بهروزی دست یابد.

وظیفه شاگردی خود می دانم که مراتب سپاس و قدردانی خویش را با خلوص و صمیمیت هر چه تمامتر به محضر استاد گرانمایه جناب آقای دکتر صادقی تقدیم دارم که در مقام استاد راهنمایی این پایان نامه با بزرگواری و سعه صدر مرا یاری نمودند و از محضر والایی جناب آقای دکتر کلانتری در مقام استاد مشاور کمال تشکر را دارم.

از استاد عزیز خانم دکتر اروچی به عنوان داور پایان نامه که به هر نحوی حقیر را مورد لطف و عنایت خویش قرار داده اند کمال امتنان را دارم.

بوسه می زنم بر دستان خداوندگار مهر و مهربانی خانواده عزیزم و بعد از خدا ستایش می کنم وجود مقدسشان را، به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگی، به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در این سردترین روزگار بهترین پشتیبان من بوده اند و به پاس محبت های بی دریغ شان که هرگز فروکش نمی کند.

در پایان از کلیه دوستان عزیزم که در طی مدت تحصیل محبت و مهرشان در گوشه گوشه ی ذهن و قلبم جای دارد و لحظات سبزی را در کنارشان داشته ام بی نهایت متشکرم عنایت بی پایان حضرت حق بدرقه راه این بزرگواران باد.

ماهروخ محمدی

اسفندماه ۸۶

نام خانوادگی : محمدی	نام : ماهروخ
عنوان پایان نامه : روند حضور و جایگاه دیوان سالاران ایرانی در دربار گورکانیان هند	
استاد راهنما : دکتر مقصود علی صادقی	
استاد مشاور : دکتر یحیی کلانتری	
مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد رشته : تاریخ گرایش : تاریخ عمومی جهان	
دانشگاه : تبریز دانشکده : علوم انسانی و اجتماعی تاریخ فارغ التحصیلی : اسفند ماه ۸۶ تعداد صفحه : ۱۲۳	
واژه های کلیدی : گورکانیان - آتالیق - صوبه دار - وزارت - وکالت - صدارت .	
<p>چکیده:</p> <p>در طول تاریخ بین ایران و شبه قاره هند روابط فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای وجود داشته است. بعد از ظهور اسلام روابطشان وسیع تر شد. در طی زمانهای مختلف عوامل گوناگونی باعث مهاجرت ایرانیان به هند گردیده است مانند: فتوحات مسلمانان در قرون اولیه در هندوستان، کشورگشائی‌های سلاطین ایرانی در هند، تشابه فرهنگی، جور و ستم حاکمان، تعصبات قومی و مذهبی، حمایت حکام از مهاجران و ...</p> <p>این مهاجرتها خود موجب گسترده‌تر شدن روابط فرهنگی و سیاسی بین ایران و هندوستان شده است. همزمان با دولت‌های صفویه، افشاریه و زندیه در ایران در شبه قاره هند حکام گورکانی قدرت را در دست داشتند (۹۳۲-۱۱۷۹ هـ.ق). این دوره، دوره اوج نفوذ و اعتلای فرهنگ ایرانی و رواج بی‌چون و چرای زبان و ادبیات فارسی در هندوستان است. به خاطر شرایط مساعد، حمایت حکام و دولت‌مردان گورکانی از مهاجران، برخی تعصبات مذهبی حکام صفوی، تشابه فرهنگی و علاقه حکام گورکانی به فرهنگ و تمدن ایرانی به ویژه زبان و ادبیات فارسی، ایرانیان زیادی به هند مهاجرت کرده‌اند و دربار گورکانی به جایگاهی ممتاز و رفیع دست یافتند. برای بررسی روابط فرهنگی و سیاسی بین ایران و شبه قاره هند باید زندگی مهاجران ایرانی نیز مورد توجه و بررسی قرار بگیرد، خصوصاً ایرانیانی که در هند دست‌اندرکار امور سیاسی شدند و با توجه یا بدون توجه به منافع سرزمین مادری خود در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخالت می‌کردند. در این پژوهش سعی خواهد شد شرح حال زندگانی این گروه روند حضور و فعالیت و جایگاه آنان در دولت گورکانی هند بررسی شود.</p>	

فهرست مطالب

عنوان صفحه

پیشگفتار..... ۱

فصل اول: کلیات

۱-۱- تعریف و تحدید موضوع (موضوعی، زمانی، مکانی)..... ۳

۲-۱- بیان مسئله پژوهش و (طرح سوالهای تحقیق)..... ۳

۳-۱- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق..... ۳

۴-۱- بیان اهداف تحقیق..... ۳

۵-۱- تعریف مفاهیم..... ۴

۶-۱- پیشینه تحقیق..... ۴

۷-۱- روش تحقیق..... ۴

۸-۱- بررسی و نقد منابع..... ۴

فصل دوم: مناصب اداری

۱-۲- اوضاع سیاسی گورکانیان هند..... ۸

۲-۲- وکالت..... ۱۲

۳-۲- وزیران..... ۱۸

۴-۲- صدرها..... ۲۱

۵-۲- میرتوزوکها..... ۲۶

عنوان

صفحه

۲۸..... ۲-۶- وقایع نگارها

۳۰..... ۲-۷- منشی ها

۳۱..... ۲-۸- سفیران

فصل سوم: مناصب فرهنگی و مذهبی

۳۴..... ۳-۱- آتالیق ها

۳۷..... ۳-۲- ملک الشعراها

۳۹..... ۳-۳- معلمان

۴۱..... ۳-۴- قاضیان

فصل چهارم: مناصب مالی

۴۳..... ۴-۱- دیوانی ها

۵۲..... ۴-۲- بخشی ها

۶۰..... ۴-۳- میرسامانی ها

۶۲..... ۴-۴- بکاول ها

۶۳..... ۴-۵- جاگیردارها

فصل پنجم: مناصب ایالتی

۶۶..... ۵-۱- صوبه دارها

۸۱..... ۵-۲- حاکم

فصل ششم: مناصب نظامی

۶-۱- خان خانان..... ۸۸

۶-۲- امیرالامرا..... ۹۳

۶-۳- فوجدارها..... ۹۶

۶-۴- قلعه دارها..... ۱۰۲

۶-۵- داروغه ها..... ۱۰۶

۶-۶- میرعرض ها..... ۱۱۰

۶-۷- قراول ها: نگهبان ها..... ۱۱۱

۶-۸- مناصب هزاری..... ۱۱۲

نتیجه..... ۱۱۸

فهرست منابع..... ۱۲۰

فهرست اعلام.....

پیشگفتار:

رابطه فرهنگی بین سرزمین ایران و هند به قبل از ورود آریایی‌ها به فلات ایران و هند برمی‌گردد. به عقیده نهرو «رابطه بین تمدن دره ایندوس، ایران و مصر کمتر مورد تردید است» (حکمت، سرزمین هند، ص ۳۵) و شواهد به دست آمده در اکتشافات سیلک کاشان و موهنجودار (دره ایندوس) تایید کننده این نظریه می باشد. این ارتباط خود موجب غنای فرهنگی جوامع باستان خاور زمین گردید. شرایط اقلیمی مساعد و موقعیت بازرگانی عوامل مهمی در جذب اقوام مختلف به سوی سرزمین هند بوده است. ایرانیان نیز از گذشته‌های دور، هند را به عنوان سرزمین پربرکت و حاصلخیز می‌شناخته‌اند. برخی از پژوهشگران معتقدند: «نام هند یا هندوستان توسط ایرانیان بر این سرزمین اطلاق شده است.» (حکمت، سرزمین هند، ص ۴۰) هندیان سرزمین باستان خود را «بهارات» می‌گفتند. در دوره‌های بعد روابط بین دو سرزمین گسترده‌تر شد، به طوری که در دوره اوج قدرت امپراتوری هخامنشی کورش کبیر و داریوش کبیر هند را به بیستمین ساتراپ (ایالت) ایران تبدیل کردند. با ظهور اسلام به عقیده محمد یاسین نویسنده هندی «روابط فرهنگی و سیاسی ایران و هند تجدید شد». گروهی از زرتشتیان ایران (پارسیان) در قرن ۸ م به صورت دسته جمعی به هند کوچ کردند و در ایالت گجرات ساکن شدند. شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی-اسلامی در سرزمین هند از قرن ۴ هـ، به بعد فصل تازه‌ای در مهاجرت ایرانیان به هند گشود. باروی کارآمدن دولت گورکانیان در هند رابطه بین ایران و هند وارد مرحله تازه‌تری شد، چرا که ایرانیان زیادی به هند مهاجرت کردند. مهاجران ایرانی عمدتاً در شهرهای هند ساکن شدند در نتیجه به مشاغل مهم دیوانی و درباری دست یافتند. ایرانیان مقیم هند یا متولد ایران (ولایتی) بودند یا متولد هند بودند، پدر و اجدادشان به هند رفته بودند. مولف فرهنگ نظام درباره لفظولایتی می‌نویسد: در زمان سلطنت مسلمانان در هند، ایرانیان ساکن هند، کشور خود را «ولایت» نامیدند و کم کم لفظ ولایت برای ایرانیان رواج یافت. (داعی اسلام، ج ۵، ص ۴۶۴) ولایتی بودن یکی از شروط مثبت برای رسیدن به مقام‌های دیوانی، لشکری و پیشرفت بود. در این پژوهش سعی شده است به طور مختصر موقعیت اجتماعی، سیاسی و نظامی این افراد بررسی شود. افرادی که در این تحقیق به وضوح به ایرانی بودنشان اشاره‌ای نشده است کسانی بوده‌اند که در منابع مربوطه با لفظ ولایتی ذکر شده بودند و در این بررسی واژه ولایتی از نام این اشخاص حذف شده است.

علامت‌های اختصاری

ه: هجری قمری

ش: هجری شمسی

م: میلادی

رک: رجوع کنید

ص: صفحه

صص: صفحات

ج: چاپ

ج: جلد

بی جا: محل نشر نا مشخص

بی تا: تاریخ نشر نا مشخص

بی نا: نام ناشر نا مشخص

فصل اول

کلیات

۱-۱- تعریف و تحدید موضوع (موضوعی، زمانی، مکانی)

در دوره گورکانیان هند (۱۱۷۹-۹۳۲ هـ) روابط فرهنگی و سیاسی ایران و شبه قاره هند وسیع‌تر از پیش شد. این دوره، دوره اوج نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند است. این موضوع ناشی از حمایت گسترده‌تر حکام گورکانی از زبان و ادبیات فارسی و مهاجران ایرانی به هند می‌باشد. در این میان تعدادی از مهاجران ایرانی به خاطر شرایط و اوضاع مساعد توانستند در دربار گورکانی هند به جایگاه سیاسی-اداری ممتازی دست یابند، در این پروژه سعی خواهد شد، شرح حال زندگانی این گروه، روند حضور و فعالیت و جایگاه آنها در دربار گورکانی هند بررسی شود

۱-۲- بیان مسئله پژوهش و (طرح سوالهای تحقیق)

مهمترین مسئله در این تحقیق بررسی زندگی اجتماعی و سیاسی مهاجران ایرانی در شبه قاره هند می‌باشد و مسائلی از قبیل اینکه:

- ۱- علل مهاجرت آنان به هندوستان چه بود؟ ۲- چگونه به دربار گورکانی راه یافتند؟ به چه منصب و مقامی دست یافتند؟ ۳- میزان تاثیر آنها در گسترش فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در هند چه بود؟ ۴- روند حضور آنان در دربار گورکانیان چگونه بود؟ ۵- در طول این دوران طولانی این روند چه سیری از جهت افزایش یا کاهش داشته است؟

۱-۳- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

در دوره گورکانیان هند (۱۱۷۹-۹۳۲ هـ) دربار مهاجرت ایرانیان به آن سرزمین وسیع‌تر از پیش شد، به گونه‌ای که این مهاجرت در روابط بین دو کشور تأثیر گذاشت. این دوره از دوره‌های مهم روابط فرهنگی و سیاسی بین دو کشور است، به دلیل اینکه در این دوره دیوانسالاران ایرانی نفوذ وسیعی در گورکانی هند بدست آوردند و امور مهم را بدست گرفتند. لذا بررسی این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که مطالعه آن تحولات سیاسی و فرهنگی بین ایران و هند را تبیین می‌نماید.

۱-۴- بیان اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق دستیابی به شمائی کلی از تعداد و فعالیت‌های دیوانسالاران ایرانی در دولت گورکانی هند و روند حضور و فعالیت‌های آنان در دولت یاد شده می‌باشد.

۱-۵- تعریف مفاهیم

صوبه‌دار: ایالت دار، فرماندار.

بکاول بیگی: داروغه مطبخ، کسی که طعام را پیش امرا و سلاطین قسمت می‌کند.

آتالیق: مربی، مشاور.

میرعرضی: یکی از مشاغل مهم درباری که مسئول آن موظف بود عرایض مردم را به پادشاه اطلاع دهد و نظر خود را درباره آن به پادشاه بگوید.

گورکانیان: نام دیگر حکومت مغول هند است. موسس این سلسله ظهیرالدین محمد بابر شاه بود که سلسله نسبش به پنج واسطه به امیر تیمور گورگانی می‌رسید به همین دلیل سلسله مغولان هند را گورکانیان می‌گفتند...

۱-۶- پیشینه تحقیق

بررسی جایگاه دیوانسالاران ایرانی در دربار مغولان هند از اهمیت تاریخی برخوردار است، چنانچه در دوره مورد بحث مورخان و مولفان به اهمیت این موضوع آگاه بودند به طوری که شاهنواز خان در کتاب مائرالامرا به طور جزئی زندگی دولتمردان ایرانی را مورد بررسی قرار دارد. اما در تحقیقات امروزی پژوهشی که منحصر آ درباره این موضوع باشد، صورت نگرفته است و چنانچه صورت گرفته است در زمینه ادبی می‌باشد، مثل: ذبیح الله صفا و احمد گلچین معانی. هر دو موقعیت شاعران و ادیبان ایرانی را در دربار مغول بررسی کرده اند. از آنجا که بسیاری از دیوانسالاران ایرانی مقیم هند دارای شخصیت ادبی و فرهنگی نیز بوده‌اند طبیعتاً سرگذشت بسیاری از دیوانسالاران دوره مورد بحث در خلال توصیف شاعران و ادیبان آن روزگار ذکر شده است. فرهنگ ارشاد در کتابش «مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند» روند این مهاجرتها را بطور کلی بررسی کرد و اینکه ایرانیان از چه زمانی به هند مهاجرت کرده‌اند، مهاجرت آنان به چه شکلی بود، به طور گروهی یا فردی بوده است. بدین گونه شرح حال برخی از ایرانیان دیوانسالار را در هند نیز می‌توان در لابلای تحقیقات یاد شده یافت. با توجه به اینکه تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است، امیدوارم با تکیه بر منابع قدیمی بتوان موقعیت دیوانسالاران ایرانی در دربار مغولان هند را مورد بررسی قرار داد.

۱-۷- روش تحقیق

روش مورد استفاده در انجام تحقیق روش کتابخانه‌ای می‌باشد، که مبتنی بر گردآوری مطالب و تدوین آنها بر حسب زمان و تجزیه و تحلیل آنها و استنباط از کتابهای مختلف تاریخی که درباره موضوع مورد بحث گزارشهایی در آنها می‌توان یافت.

۱-۸- بررسی و نقد منابع

اکثر منابع مربوط به دوره مورد بحث چاپ کشور هند و از نوع چاپ سنگی می‌باشند و دسترسی به این دسته از کتابها مشکلات خاص خود را دارد. مهمترین منبع مورد استفاده کتاب مائرالامرا میباشد.

ماترالامرا: توسط عبدالرزاق نواب صمصام الدوله شاهنواز خان در مورد شرح زندگانی شاهان و امیران شبه قاره هند نوشته شده است. ترتیب اسامی در این کتاب بر اساس حروف می باشد، اما مولف با در نظر گرفتن سال وفات مقدم و تاخر افراد را نیز رعایت کرده است. همچنین در مورد کسانی که سال وفاتشان مشخص نبود آخرین سال ثبت شده در تواریخ را برگزید، در کل نظمی در خور به کتاب داده است. به دلیل مستندات تاریخی نیز ماترالامرا کتابی مرجع و معتبر در شرح احوال شاهان و ایران است. افزون بر این، مولف شرح حال برخی از افراد را بدون توجه به مقام و منصبشان و تنها به خاطر کمالاتی که بدان موصوف بودند، آورده است. این کتاب به کوشش مولوی عبدالرحیم در سال ۸۸۸م در کلکته به چاپ رسیده است.

اکبر نامه: مولف آن شیخ ابوالفضل علامی می باشد. این اثر که بر جسته ترین اثر در تاریخ دوره اکبری به شمار می رود، در یک مقدمه و سه دفتر نوشته شده است. دفتر یکم در مورد تولد اکبر شاه و ذکر تاریخ اجداد او تا سال ۹۶۳ ه است. دفتر دوم در مورد تاریخ دوره فرمانروایی اکبرشاه از سال ۹۶۳ ه تا سال ۹۸۰ ه است دفتر سوم از اواسط سال ۹۸۰ ه تا سال ۱۰۱۰ ه می باشد. در دفتر دوم و سوم رویدادها به ترتیب سال به سال به رشته تحریر درآمده اند. مولف در نگارش این اثر از منابع بسیار و نیز از اسناد و مدارک دیوانی و دیده‌ها و شنیده‌ها خود بهره برده است. در مورد تاریخ تیموریان و نیاکان و فرزندان او از کتابهای روضه الصفا - حبیب السیر، ظفرنامی شامی و غیره استفاده کرده است، در مورد بابر و همایون از همایون نامه گلبدن بیگم و تاریخ رشیدی و غیره کمک گرفته است. بخش اصلی این اثر، تاریخ خود اکبر شاه است که مولف از دیده‌ها و شنیده‌های خود و مدارک و اسناد رسمی استفاده کرده است. اکبر نامه از نظر پر بودن از مطالب تاریخی و سبک و اسلوب نگارش اثری بی مانند است. جلد اول اکبر نامه به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد در سال ۱۳۷۲ ه در تهران تجدید چاپ شده است.

تاریخ فرشته: (گلشن ابراهیمی) کتابی به فارسی در تاریخ عمومی هند از محمد قاسم هندوشاه استرآبادی است که به فرشته نیز معروف بود. مؤلف این کتاب را در شرح حال پادشاهان، دانشمندان، عارفان و شاعران هند از زمان غزنویان تا سال ۱۰۱۵ ه، به نام ابراهیم عادلشاه دوم دکنی به رشته تحریر آورده است. نویسنده این کتاب را در یک مقدمه، دوازده مقاله، دو لمعه و خاتمه نوشته است. مقدمه در کیفیت ظهور اسلام در سرزمین هند، مقاله‌ها در احوال سلاطین لاهور - پادشاهان (دهلی، دکن، گجرات، خاندیش، بنگال، ملتان، کشمیر، سند)، سلاطین مالوه و مشایخ هندوستان و لمعه‌ها درباره سهروردیان مولتان و خاتمه در ذکر کیفیت هندوستان است مولف این تاریخ را دوبار تحریر کرد، یکبار در سال ۱۰۱۵ ه، به نام گلشن ابراهیمی و بار دیگر در ۱۰۱۸ ه، به نام نوری نامه آن را نوشت این کتاب در بردارنده، اطلاعات وسیع و موثق در تاریخ هند است و تاریخ نویسان بعدی

مانند رحمان علی در تذکره علمای هند از مطالب آن استفاده کردند. اولین بار در سال ۱۲۴۷ هـ به اهتمام لرد انفنیستین در دو جلد در بمبئی به چاپ سنگی رسید.

تاریخ گلزار آصفیه: این کتاب توسط غلامحسین خان خان زمان خان درباره دولت آصف جاهیان آخرین دولت مسلمان در جنوب هندوستان نوشته شده است. این کتاب شامل یک مقدمه، چهار باب و یک خاتمه می‌باشد. مقدمه در مورد زندگینامه نویسنده است، باب اول درباره پادشاهان قطب شاهی، باب دوم در مورد پادشاهان دولت آصف جاهیان، و باب سوم درباره نقش وزیران، امیران، سرداران و منصب داران آصف جاهی در دولت آصف جاهیان و باب چهارم درباره شش ایالت فرمانگذار آصف جاهیان در دکن و مراسم سوگواری امام حسین (ع) است. این کتاب، با نگاهی کوتاه به تاریخ شبه قاره بویژه از قرن ۹ هـ نشان می‌دهد که ایرانیان تا چه اندازه در اعتبار بخشیدن به این حکومت‌ها سهیم بوده‌اند و فرهنگ و تمدن در دوره حکومت مسلمانان تا چه اندازه مرهون کوشش‌های صمیمانه دانشمندان، بزرگان، ادیبان و عارفان و شاعران ایرانی بوده است این کتاب به تصحیح محمد مهدی توسلی در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد چاپ شده است.

داستان ترک‌تازان هند: توسط میرزا نصرالله فدایی درباره یورش‌های مسلمانان به هند از محمد بن قاسم تا بهادر شاه دوم نوشته شده است. مولف نوشتن این تاریخ را در سال ۱۳۰۱ هـ آغاز کرد و در ۱۳۰۳ هـ در پنج جلد به پایان رساند. چهار جلد نخست که عنوان کاخ هم دارد درباره تاریخ است و جلد پنجم که فرهنگ لغت است در گزارش و شرح لغات چهار جلد پیشین است. چند بار منتشر شده است. در تهران با مقدمه علی قویم به چاپ رسید.

طبقات اکبری: کتاب مهم دیگر طبقات اکبری می‌باشد که توسط نظام الدین احمد هروی در تاریخ شاهان مسلمان هند از سبکتیگن ۳۶۷ هـ تا جلال‌الدین محمد اکبر شاه گورکانی و به نام همین پادشاه نوشته شده است. این کتاب در یک دیباچه، نه طبقه و یک خاتمه تدوین شده و مطالبی درباره غزنویان، سلاطین دهلی، دکن، گجرات، بنگاله، مالوه، کشمیر، سند و ملتان دارد. در پایان طبقه سلاطین دهلی از امراء دانشمندان و شاعران روزگار جلال‌الدین اکبر یاد شده است و در خاتمه اثر نیز برخی مطالب درباره جغرافیای هند ارائه شده است.

تذکره مخزن الغرایب: توسط احمد علی خان هاشمی سندیلوی در سال ۱۲۱۸ هـ، نوشته شده است. در این تذکره شرح حال سه هزار و صد و چهل و هشت تن از شاعران شرح داده شده است. مخزن الغرایب به ترتیب حروف نخست تخلص شاعران تدوین گردید. و از جهت شمار زندگی نامه هایی که در آن آمده دومین تذکره بعد از صحف ابراهیم است. این کتاب در سال ۱۹۶۸ م با کوشش محمد باقر در لاهور به چاپ رسیده است.

مقالات الشعراء: تذکره ای به فارسی از علی شیر قانع تتوی. وی تألیف این اثر را در سال ۱۱۷۴ هـ، به پایان برده و در آن شرح احوال و نمونه های اشعار هفت صد و نوزده تن از شاعران فارسی گوی سندی یا مقیم آن سرزمین را به صورت الفبایی آورده است. این تذکره در سال ۱۹۵۷ م با مقدمه سید حسام الدین راشدی در کراچی به چاپ رسیده است.

منتخب اللطایف: گزیده ای از تذکره جامع اللطایف نوشته رحیم علی خان ایمان می باشد. این کتاب در حدود سال ۱۱۹۰ هـ نوشته شده است. در این تذکره شرح حال دو هزار و دویست و سی و دو شاعر از روزگار سامانیان تا سده دوازده هجری آمده و در آن از شعرایی که در دیگر تذکره ها نامی از آنان به میان نیامده نیز یاد شده است. وی در ذکر احوال سراینندگان ترتیب زمانی را کما بیش رعایت کرده است. این اثر سال ۱۳۴۹ ش، به کوشش محمد رضا جلالی نایینی در تهران چاپ رسیده است. تحقیقات جدیدی در زمینه روابط ایران و هند صورت گرفته است که بیشتر در زمینه ادبی می باشد مانند: کتاب با کاروان هند نوشته احمد گلچین معانی، شرح حال شاعران صفوی است که به هند رفته اند. این اثر در سال ۱۳۶۹ ش، در مشهد مقدس چاپ شده است. اثر مهم دیگر کتاب مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند نوشته فرهنگ ارشاد می باشد که در آن مؤلف عوامل و انگیزه های مهاجرت ایران طی دوران مختلف را بررسی کرده است. در این کتاب اشاراتی نیز به احوال ایرانیان مقیم هند نیز شده است. این اثر در سال ۱۳۷۹ ش، در تهران چاپ شده است.

کتاب تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه نوشته ریاض الاسلام است که از دیدگاه سیاسی روابط ایران و هند را بررسی نموده است. که در آن اشاراتی به موقعیت دولتمردان ایرانی مقیم هند و میزان تاثیر آنها در روابط بین دو کشور شده است. این اثر در سال ۱۳۷۳ ش، توسط محمد باقر آرام و عباس قلی غفاری فرد به فارسی ترجمه شد.

فصل دوم

مناصب اداری

۲-۱- اوضاع سیاسی گورکانیان هند

بزرگترین سلسله ای که مسلمانان در هند تشکیل دادند، دولت گورکانی یا مغولان هند می باشد. اگر چه نفوذ مغولان به هند از زمان حملات امیر تیمور به هند آغاز شد، لیکن بابر شاه با برانداختن خاندان لودی افغان این سرزمین را تحت سلطه خود در آورد.

ظهیر الدین محمد بابر شاه از ترکان جغتای بود. از جانب پدر پنج پست با تیمور فاصله داشت و از جانب مادر نسبتش به چنگیز خان می رسید. پدرش عمر شیخ بن ابوسعید حاکم ولایت فرغانه در آسیای میانه بود. بابر شاه بعد از فوت پدرش در سال ۸۹۹ هـ، در سن ۱۲ سالگی به حکومت رسید. در پی شکست از ازبکان شیبانی در سال ۹۱۰ هـ، ناچاراً کابل تصرف کرد. سال ۹۳۲ هـ، سلطان ابراهیم دوم لودی شکست داد، دولت گورکانیان هند تاسیس نمود. در سال ۹۳۶ هـ، درگذشت.^۱

همایون شاه پسر بابر شاه سال ۹۱۳ هـ، در کابل به دنیا آمد. در سال ۹۶۳ هـ، شهر اگرا تاج گذاری کرد. مدتی بعد امرای افغانی به سرکردگی شیر شاه سوری علیه وی شورش کردند، همایون در جنگ از آنها شکست خورد و به سند فرار کرد. از آنجا به ایران پناه برد. وی مدت ۱۵ سال آواره بود. سر انجام قندهار در سال ۹۸۵ هـ، و کابل در سال ۹۶۲ هـ، با کمک سپاهیان شاه تهماسب صفوی تصرف کرد. مدتی بعد هند دوباره بتصرف خود در آورد، اما حکومت مجددش بیشتر از یک سال دوام نیاورد و سال ۹۶۳ هـ، در دهلی درگذشت. بعد از او پسر ۱۴ ساله اش جلال الدین محمد اکبر به حکومت رسید.^۲

جلال الدین اکبر شاه سال ۴۹۴ هـ، در امرکوت متولد شد. وی بدون تردید سردار و سیاستمداری بزرگ و جالب تراز آن یک متفکر و مصلحی مذهبی بود که مذهب جدیدی به نام «دین الهی» ابداع کرد که تلفیقی از اصول کلی مورد قبول سایر ادیان بزرگ بود. اکبر شاه سال ۱۰۱۴ هـ، بعد از ۵۱ سال حکومت درگذشت. در این زمان وی مرزهای قلمرش از شهر قندهار در مغرب تا شرق داکا در بنگلادش و از سری نگر در شمال تا حد شهر احمدنگر در جنوب امتداد داشت. اکبر شاه قبل از مرگش شاهزاده سلیم به جانشینی انتخاب کرد.^۳

نورالدین محمد جهانگیر سال ۹۷۷ هـ، متولد شد. وزیر معروفش میرزا غیاث بیگ تهرانی بود. فتح قله کانگر که مایه افتخار گورکانیان است، زمان وی صورت گرفت. جهانگیرشاه سالهای آخر-

۱- تنوی، قاضی احمد، تاریخ الفی، به کوشش سید علی ال داود، تهران، انتشارات کلیه، ۱۳۷۸. ص ۳۰.

۲- بیات، بایزید، تذکره همایون و اکبر، تصحیح محمد هدایت حسین، تهران اساطیر، ۱۳۸۲. صص ۲-۵.

۳- هروی، خواجه نظام الدین، طبقات اکبری، تصحیح دی-ام ائی-سی اس، کلکته، اشیا تاک سوسائتی بنگال، ۱۹۳۵م، ص ۲۵۳.

عمرش را در بیماری و ناراحتی گذراند. در این زمان به خاطر اختلاف بین ملکه نورجهان و اعتماد الدوله مدتی توسط مهابت خان اسیر شد، بعد از رهایی با شورش پسرش شاهزاده خرم مواجه شد. سرانجام در سال ۱۰۳۷ هـ، هنگام مراجعت از کشمیر بر اثر بیماری در گذشت و در لاهور دفن شد.^۱ بعد از جهانگیرشاه پسرش ابوالمظفر شهاب الدین محمد خرم ملقب به «صاحب قرانی» در سال ۱۰۳۸ هـ، با حمایت آصف خان در اکبر آباد بر تخت نشست. وی سال ۱۰۲۵ هـ، از طرف پدرش به حکومت دکن و لقب «شاه جهانی» مفتخر شد بود. در دوره حکومت وی امرای ایرانی در دربار گورکانی نفوذ زیادی داشتند. سال ۱۰۶۸ هـ، شاه جهان بیمار شد و پسرش داراشکوه امور در دست گرفت اما مدتی بعد با شورش برادرش اورنگ زیب مواجه شد و در جنگ از او شکست خورد. شاه جهان مدت ۸ سال در زندان اورنگ زیب بسر برد. سرانجام در سال ۱۰۷۵ هـ، در گذشت.^۲

ابوالمظفر محمد عالمگیر در سال ۱۰۲۷ هـ، در دهود متولد شد. از طرف پدرش صوبه دار دکن شد. بعد از بیماری شاه جهان و پریشانی اوضاع مملکت در سال ۱۰۶۷ هـ، بین پسرانش (داراشکوه، شجاع، اورنگ زیب و مراد بخش) بر سر جانشینی جنگ در گرفت و هر یک در ناحیه حکمرانی خویش داعیه پادشاهی داشتند، سرانجام اورنگ زیب پیروز شد و سال ۱۰۶۸ هـ، در دهلی بر تخت نشست. سال ۱۰۶۹ هـ، عنوان عالمگیر بر خود نهاد. از مسایل مهم زمان وی شورش مراته به رهبری شیواجی پسر شاه جی بود. وی مدت ۵۰ سال حکومت کرد، سال ۱۱۱۸ هـ، در گذشت.^۳

قطب الدین محمد معظم دومین پسر اورنگ زیب در برهان پور متولد شد. سال ۱۰۸۵ هـ، صوبه دار کابل شد و لقب «شاه عالم» گرفت. بعد از مرگ اورنگ زیب بین پسرانش جنگ در گرفت. مدت کوتاهی اعظم شاه و بعدش کام بخش امور در دست گرفتند، ولی شاه عالم در سال ۱۱۹ هـ، در لاهور لقب «بهادر شاه» بر خود نهاد بر تخت سلطنت نشست، اما به خاطر جراحاتی که در جنگ با برادرانش برداشته بود، در سال ۱۱۲۴ هـ، در گذشت. در طی حکومت کوتاهش درگیر جنگ با سیکها و راجپوتها بود. به دنبال در گذشت شاه عالم اول بهادر شاه بین پسرانش (عظیم الشان، جهان شاه، رفیع الدر جات و جهاندار شاه) بر سر تاج و تخت دهلی جنگ در گرفت، معزالدین جهاندار شاه در نهایت پیروز شد. در سال ۱۱۲۴ هـ، در دهلی بر تخت نشست.^۴

۱- گورگانی، نورالدین محمد جهانگیر، جهانگیرنامه، به کوشش محمد هاشم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹، ص. ۵۰۷.

۲- شاهنواز خان، نواب. صمصام الدوله، مآثر الامراء، ج ۱، کلکته، اردو کائید، ۱۸۸۸ م، ص ۲۱۳.

۳- فدائی، نصرالله بن محمد حسین، داستان ترکنازان هند، ج ۱، ص ۳۰۱.

۴- شاهنواز خان، ج ۱، صص ۳۲۳-۳۲۴.

ابوالمظفر محمد معین الدین فرخ سیر پسر محمد عظیم الشان پسر بهادر شاه بود. سال ۱۰۹۴ هـ، در اورنگ آباد دکن متولد شد. بعد از کشته شدن پدرش با حمایت حسین علی خان وسید عبدالله خان بارهه به دعوی شاهی برخاست و به حکومت رسید. اما در دوران حکومتش با این دو درگیر شد، سرانجام در سال ۱۱۳۱ هـ، توسط حسین علی خان قطب الملک از سلطنت خلع و کور شد: رفیع الدرجات نوه شاه عالم بهادر شاه در سال ۱۱۳۱ هـ، با حمایت قطب الملک به حکومت رسید. در همان سال در گذشت.^۱ سال ۱۱۳۱ هـ، با حمایت قطب الملک رفیع الدوله به حکومت رسید. وی نیز در همان سال در گذشت.^۲ روشن اختر محمد شاه سال ۱۱۳۱ هـ، با حمایت قطب الملک به حکومت رسید. زمان وی نظام الملک در دکن اعلام استقلال کرد. در سال ۱۱۵۱ هـ، در جنگ کرنال از نادر شاه افشار شکست خورد. زمان حمله احمد شاه درانی به هند چون محمد شاه بیمار بود، به سفارش اعتماد الدوله شاهزاده احمد به فرماندهی جنگ منصوب شد. با تلاش صفدر جنگ، احمد درانی شکست خورد. در راه برگشت به دهلی درپانی پت خبر درگذشت محمد شاه به شاهزاده احمد رسید.^۳

ابوالنصر مجاهدالدین احمد شاه سال ۱۱۶۱ هـ، با حمایت صفدر جنگ به حکومت رسید. وی در حرم شاهی بزرگ شده بود و از فنون جنگی و تدابیر کشورداری بی بهره بود. در دوره وی دولت گورکانی به سستی و انحطاط گرایید. سال ۱۱۶۲ هـ، مجدداً احمد شاه درانی به هند حمله کرد و پنجاب و ملتان تصرف کرد. سال ۱۱۶۷ هـ، توسط غازی الدین از سلطنت خلع شد. سال ۱۱۸۹ هـ، درگذشت.^۴

۱- فدایی، ج ۴، صص ۳۹۰-۳۹۵

۲- خان زمان خان، خواجه غلام حسین خان، گلزار آصفیه، اهتمام مهدی توسلی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲.

۳- فدایی، ج ۴، ص ۳۹۶.

۴- همان، ص ۴۲۰.